

به نام خدا

تأملی بر بیانات مقام معظم رهبری

در مورد فتنه سال ۱۳۸۸

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۵.....	۱. آشنایی سیستم امنیتی کشور با روش‌های جدید مبارزه
۷.....	۲. افشا شدن الگوی مبارزاتی دشمن در برابر جمهوری اسلامی
۸.....	۳. افشای خواست و اهداف اصلی تجدیدنظرطلبان
۴.....	۴. لزوم مجرب شدن دستگاه انتظامی کشور به اعمال روش‌های مسالمت‌آمیز کنترل
۹.....	آشوب‌های شهری
۱۳.....	۵. اثبات ثبات سیاسی در ایران برای اپوزیسیون و بیگانگان
۱۴.....	۶. شکست بسیاری از نظریه‌های غربی که درباره حکومت دینی مطرح می‌شد
۱۷.....	۷. توجه به علوم انسانی
۲۰.....	۸. ایجاد حساسیت و احساس تعلق بیشتر به نظام جمهوری اسلامی
۲۱.....	۹. افشای ماهیت جریانی که پشت شعار «اصلاحات» در پی قدرت‌افزایی بود
۲۲.....	۱۰. درسی برای نخبگان سیاسی و نامزدهای انتخاباتی
۲۳.....	منابع و مأخذ



تأملی بر بیانات مقام معظم رهبری در مورد فتنه سال ۱۳۸۸

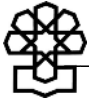
چکیده

گزارش حاضر به بررسی ابعاد و تبیین بیانات مقام معظم رهبری پیرامون فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ پرداخته و تلاش می‌کند جمله ایشان مبنی بر واکنش شدن کشور بر اثر این فتنه را تبیین کند.

مقدمه

مقام معظم رهبری در ۲۷ مهرماه ۱۳۸۹ در جریان سفر به شهر قم و در میان مردم این شهر به بیان مطالبی پرداختند که به سرعت مورد توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی داخلی و خارجی قرار گرفت. ایشان در این سفر به‌طور تأمل‌برانگیزی از مطالب مربوط به فتنه سال ۱۳۸۸ سخن گفتند و در شرایطی که برخی از چهره‌های سیاسی تلاش داشتند حوادث خسارت‌بار سال ۱۳۸۸ را در اذهان عمومی به فراموشی بسپارند، ایشان لزوم عبرت‌آموزی از آن را دوباره یادآوری کردند.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، نه تنها در آن سخنرانی، بلکه اصولاً در قریب به اتفاق روزهایی که در این شهر به سر می‌بردند از فتنه سال گذشته ذکری به میان آورده و به نوعی تلاش کردند تا با جلوگیری از فراموشی آن حوادث - که توسط برخی فعالان



سیاسی بر کشور تحمیل شد و هزینه‌های فراوانی را ایجاد کرد - بصیرت و آگاهی را در جامعه و در میان خواص ارتقا دهند.

به عبارت دیگر، نفس این عمل که چرا رهبر انقلاب در اغلب روزهایی که در قم بودند درباره فتنه سخن می‌گفتند و مانع از فراموشی آن می‌شدند خود محل پرسش و تأمل بود.

ایشان در جمع مردم شهر قم با ارائه یک نگاه راهبردی در قبال چالش‌های پیش‌آمده، تعریفی فرصت‌آمیز از حوادث سال ۱۳۸۸ ارائه کردند. به عبارت دیگر، ایشان به جای آنکه از فرصت‌های از کف رفته سخن بگویند، این بار از فرصت‌های به‌وجود آمده سخن گفتند. حوادث سال ۱۳۸۸ که ضمن مداخله بیگانگان و مخالفان نظام تهدیدی امنیتی برای کشور محسوب می‌شد، آن‌گونه که رهبر انقلاب بیان کرد با پایداری و هوشیاری مردم و البته نقش رهبری شخص ایشان به پایان رسید و حضور آگاهانه مردم در دی ۱۳۸۸ و راهپیمایی ۲۲ بهمن آن سال مهر تأییدی بر این موضوع بود.

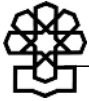
اما فراتر از این مرحله که به مهار و کنترل فتنه توجه داشت، مسئله‌ای که رهبر انقلاب در سخنرانی ۲۷ مهر ۱۳۸۹ بیان کردند این بود که در حوادث سال گذشته فرصت‌های فراوانی نیز ایجاد شده است که اکنون می‌توان از آنها بهره برد. به عبارت دیگر تهدیدهای پیش‌آمده نه تنها مهار شده است، بلکه امروز تبدیل به فرصتی برای جمهوری اسلامی شده است. شاید مهمترین پیام سفر رهبر انقلاب به شهر قم انتقال این معنا به بیگانگان، اپوزیسیون و جریان تجدیدنظرطلبی بود که در سال ۱۳۸۸ آن حوادث خسارت‌بار را به کشور تحمیل کرد.



درواقع رهبر انقلاب تلاش کردند به خواص سیاسی نشان دهند که همان‌طور که جریان شکست خورده در انتخابات ۱۳۸۸، یکی از مهمترین فرصت‌های انقلاب که همان مشارکت کم‌نظیر ۸۵ درصدی مردم در انتخابات بود را به یکباره به تهدید و چالش تبدیل کردند، می‌توان از چالش‌های پیش‌آمده نیز فرصت‌سازی کرد و از آن، جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و گذر از موانع بهره برد. با این نگاه راهبردی به «فتنه ۱۳۸۸» تعبیر رهبر انقلاب از آن حوادث این بود که این حوادث کشور را در برابر چالش‌های اصلی «واکسینه» کرد. ایشان در این بخش از بیانات خود گفتند: «بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، ۴۰ میلیون مردم کشور پای صندوق‌های رأی رفتند. درواقع یک رفراندوم ۴۰ میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه سال ۱۳۸۸ کشور را واکسینه کرد، مردم را بر ضد میکروب‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که می‌تواند اثر بگذارد، مجهز کرد، بصیرت مردم را بیشتر کرد. سال‌های گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی می‌نوشتند، اینها هم در مردم اثری نکرد».^۱

بلافاصله پس از این سخنرانی مراکز خبری بیگانه و اپوزیسیون که پیش‌تر نیز در مسئله «خس و خاشاک» تلاش کرده بودند با تحریف سخنان رئیس‌جمهور هیجان کاذب سیاسی در جامعه بیافرینند این بار نیز فعال شدند. در این میان سیاست العربیه

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، پایگاه اینترنتی khamenei.ir، ۱۳۸۹/۷/۲۷.



به‌طور آشکارتری از این رویکرد بهره برد و با انتخاب تیتراژ «آیت‌الله خامنه‌ای مخالفان را «میکروب‌های سیاسی و اجتماعی» خواند «نسبت به پایگاه‌های خبری دولت‌های غربی که آن را با روش‌های حرفه‌ای‌تر بیان می‌کردند، آشکارتر عمل کرد».^۱ پیرو همین رویکرد تحریف‌آمیز، پایگاه‌های خبری رادیکالیسم سبز نظیر «خودنویس»، «کلمه» و «جنبش سبز» نیز سعی کردند، اولاً معنای «میکروب سیاسی» را که لزوماً به افراد و مصادیق نظر نداشت و مبحثی مفهومی بود به مصادیق بکشانند، ثانیاً مصادیق را تمام مخالفان اعلام کنند و ثالثاً تمام ایران را مخالف قلمداد کنند.

البته این مواضع موجب شد که سایت رسمی دفتر رهبر انقلاب نیز درباره این تبلیغات رسانه‌ای که البته قسمت‌هایی از آن در پیش از سفر آغاز شده بود، گزارشی را منتشر سازد و مراحل مختلف این جنگ رسانه‌ای را بیان کند.^۲

اما این بار نیز آن مطلب چنین القا شد که «وب‌سایت آیت‌الله خامنه‌ای گفته است که «همه» معترضان میکروب سیاسی نیستند».^۳ روشن است که تیتراژ همه معترضان، میکروب سیاسی نیستند یعنی برخی از آنها میکروب سیاسی هستند.

بر همین اساس بود که پایگاه‌های خبری وابسته به رادیکالیسم سبز یک هفته بعد از قول موسوی و کروبی نوشتند که «به مصلحت نیست ده‌ها میلیون نفر را میکروب بنامیم».^۴

یعنی آنها، هم خود را به مخاطب رهبر دانستند و هم اینکه خود را برابر با ده‌ها میلیون نفر دانستند. گذشته از این مباحث ژورنالیستی که با جنگ رسانه‌ای نیز همراه

۱. آیت‌الله خامنه‌ای مخالفان را «میکروب‌های سیاسی و اجتماعی» خواند، سایت العربیه، ۱۱ نوالقعه ۱۴۳۱ هـ. ق، ایران.

۲. خیال لغو، سناریوی سقر قم، پایگاه خبری، khamenei.ir، ۱۳۸۹/۸/۲.

۳. وب‌سایت آیت‌الله خامنه‌ای، همه معترضان میکروب سیاسی نیستند، پایگاه خبری بی.بی.سی فارسی، ۱۳۸۹/۸/۳.

۴. موسوی و کروبی به مصلحت نیست ده‌ها میلیون نفر را میکروب بنامیم، بی.بی.سی فارسی، ۱۳۸۰/۸/۱۰.

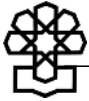


شد. نکته اساسی که در این گفتار به آن خواهیم پرداخت این است که مقصود آیت... خامنه‌ای از بیانات ایراد شده چه بوده است. در این گفتار تلاش خواهد شد براساس شواهد حالیه و مقالیه برخی وجوه و ابعاد مقصود از جمله «واکسینه» شدن کشور در طول حوادث سال ۱۳۸۸ مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

در تبیین بهتر مطالب بالا باید اشاره کرد که واکسن، میکروب ضعیف، زنده یا کشته شده است که وقتی به بدن فرد وارد می‌شود سیستم دفاعی او را فعال می‌کند و در نهایت موجب می‌شود که وقتی میکروب اصلی و قوی وارد بدن شد، انسان به بیماری دچار نشود. بر این اساس و با توجه به آنچه که در فتنه ۱۳۸۸ رخ داد برخی از ابعاد «واکسینه شدن» کشور در تحولات سال پیش توضیح داده می‌شود.

۱. آشنایی سیستم امنیتی کشور با روش‌های جدید مبارزه

تا پیش از تحولات سال ۱۳۸۸ بسیاری از کارشناسان امنیتی هنوز روش‌های جدید مبارزه سیاسی را جدی نمی‌گرفتند و همواره گمان می‌کردند مهمترین روش مبارزه سیاسی همان روش‌های مسلحانه‌ای است که سازمان‌های نظیر مجاهدین خلق (منافقین) و چریک‌های فدایی خلق از آن بهره می‌برند. از دهه ۱۳۵۰ روش‌های مبارزه مسلحانه به‌طور جدی به مهمترین روش مبارزه سیاسی نیروهای سیاسی تبدیل شد. در آستانه همین تحولات بود که «حادثه سیاهکل» رخ داد و نزاع بر سر اولویت مبارزه شهری یا مبارزه غیرشهری در میان مبارزان چریک آغاز شد. با توجه به اینکه مهمترین نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی این دو سازمان تروریستی بوده‌اند که جنگ مسلحانه را در اولویت می‌دانستند، نیروهای امنیتی کشور نیز



مهمترین روش مبارزه مخالفان را روش‌های خشونت‌آمیز تلقی می‌کردند.

گرچه پیش‌تر نیز در نوشته‌های امثال بشیریه و حجاریان نحوه کاربرد روش‌های جنگ نرم و انقلاب مخملی - البته با ادبیاتی متفاوت - آموزش داده می‌شد، اما چون هیچ‌گاه این روش‌ها به‌طور جدی - مگر در ایام معدود تیرماه ۱۳۷۸ - عملیاتی نشده بود، نیروهای امنیتی چندان به این مباحث حساسیت لازم را نشان نمی‌دادند. حوادث سال ۱۳۸۸ نشان داد که دوران مبارزات مسلحانه و جنگ‌های چریکی اعم از شهری و غیرشهری به پایان رسیده است و با گسترش رسانه‌های متفاوت داخلی و خارجی روش‌های موسوم به «مبارزات بعدی خشونت» از کارآیی بیشتری برخوردار هستند. به‌طوری که حتی بهزاد نبوی که زمانی از شاگردان مصطفی شجاعیان بود و به روش‌های چریکی گرایش داشت، در فتنه ۱۳۸۸ به روش‌هایی از نوع انقلاب مخملی روی می‌آورد.

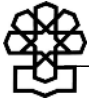
به‌نظر می‌رسد تا این حادثه اتفاق نمی‌افتاد و به عینیت نمی‌رسید شناخت نظری این نوع روش مبارزه برای نیروهای امنیتی به سختی قابل فهم بود. به هر حال شناخت انسان‌ها از پدیده‌های عینی به‌مراتب ساده‌تر صورت می‌گیرد تا پدیده‌های ذهنی تا پیش از حوادث سال ۱۳۸۸ هنوز روش‌های جدید مبارزه سیاسی به‌طور کامل در ایران عملیاتی نشده بود و هنوز بسیاری درباره این‌گونه مباحث در شک و تردید قرار داشتند، اما حوادث سال ۱۳۸۸ یک عینیت سیاسی را در مقابل حافظان امنیت کشور قرار داد تا با تحلیل و بررسی آن و تعبیه ساختن تجهیزات لازم و ایجاد سازوکار جدید از وقوع چنین حوادثی در آینده جلوگیری کنند. نکته اینجاست که مهمترین بخش درمان شناخت بیماری است. با شناخت بیماری درمان و تجویز



ساده‌تر است. اکنون این بیماری سیاسی توسط نیروهای امنیتی شناخته شده و زمینه برای جلوگیری از وقوع دوباره آن فراهم می‌شود.

۲. افشا شدن الگوی مبارزاتی دشمن در برابر جمهوری اسلامی

تحریم اقتصادی، راه‌اندازی جنگ توسط دشمن خارجی، تحریک مسائل قومیتی و مذهبی و جنگ نرم همواره از مهمترین روش‌های مبارزاتی دشمنان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی بوده است، اما در سال‌های اخیر همیشه این مسئله وجود داشت که راهبرد و روش اصلی مبارزاتی نظام سلطه برای مقابله با جمهوری اسلامی چه بوده است. در سال‌های گذشته بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی از وقوع جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی سخن می‌گفتند و حتی رهبری نیز تعابیری متفاوت از همین معنا را به کار می‌بردند، اما چنان که باید و شاید برای بسیاری این مسئله قابل درک نبود که جنگ نرم به چه معناست و دشمن چگونه می‌تواند از این روش مبارزاتی استفاده کند. برخی افراد نیز حتی اولویت دشمن را در موضوعات دیگری نظیر تحریم اقتصادی و حتی راه‌اندازی جنگ توسط دشمن خارجی می‌دانستند. این مسئله به‌ویژه پس از بالا گرفتن پرونده هسته‌ای در رسانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار شد. البته گروهی نیز اولویت بیگانگان را اختلاف‌افکنی در مسائل قومیتی و مذهبی می‌دانستند. گرچه بیگانگان همواره از تمام روش‌ها برای مبارزه با جمهوری اسلامی بهره برده‌اند و هیچ گزینه‌ای را از روی میز حذف نکرده‌اند، اما حوادث سال گذشته نشان داد، جنگ نرم که این بار خود را در قالب «انقلاب مخملی» نشان داد راهبرد و الگوی مبارزاتی دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی است. در این میان بسیاری از



رسانه‌ها و ابزارهای به‌کار گرفته شده توسط بیگانگان آشکار شد و شگرد و نحوه فعالیت آنها ماهیت خود را آشکار کرد که اکنون با سهولت بیشتری می‌تواند مورد نظارت و مراقبت قرار گیرد.

۳. افشای خواست و اهداف اصلی تجدیدنظرطلبان

تجدیدنظرطلبان یا همان بخش افراطی جریان دوم خرداد از همان سال ۱۳۷۶ با مطرح کردن اصلاحات دینی و اصلاحات سیاسی به صراحت از مخالفت خویش با جمهوری اسلامی، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی سخن گفت. نظریه‌پردازان و نویسندگان تجدیدنظرطلب در قالب نظریه‌ها و اندیشه‌های جدید و در پوشش فلسفه و علم نوعی ایدئولوژی مبارزاتی به نام «اصلاحات» را تولید کردند و در طول حیات دولت هفتم و هشتم به نشر و بسط آن پرداختند. محافل تولید این نظریات حلقه‌های کیان و آیین بود و توسط تشکیلات سازمان مجاهدین خلق و جبهه مشارکت و رسانه‌های مرتبط با تشکیلات جبهه دوم خرداد توزیع می‌شد.

گرچه بسیاری از این شخصیت‌هایی که جامه علمی بر تن داشتند با جمهوری اسلامی و فلسفه سیاسی آن همراهی نداشتند و در پی حکومت‌های سکولار و همسو با منافع غرب بودند، اما اثبات این مطلب برای نخبگان سیاسی که چندان حوصله مطالعه نداشتند کار ساده‌ای نبود. در ضمن آنها چون در پیشینه خود به صراحت حوادث سال ۱۳۸۸ در مقابل انقلاب قرار نگرفته بودند، هیچگاه به‌عنوان مخالف نگریسته نمی‌شدند. لذا آنان همواره معتقد بوده‌اند که باید با چراغ خاموش حرکت کرد تا در فرصت مناسب برای تغییر ماهیت حکومت رفتاری ساختارشکن انجام داد.



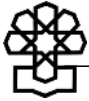
شرایط پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری این فضا را ایجاد کرد و آنان به گمان اینکه اکنون زمان اقدام فرار سیده است در دنیا خود را آشکار کردند، لذا شعار علیه «ولایت فقیه» و «جمهوری اسلامی» که در این حوادث سر داده شد مسائلی بود که در حوادث دهه‌های گذشته ریشه داشت و از افکار و نیات سیاسی آنان ریشه می‌گرفت که این بار خود را این‌گونه نمایان ساخت.^۱

درواقع این بخش از بیانات و مقصود رهبر انقلاب درباره واکنش به شدن انقلاب از صراحت بیشتری برخوردار است، زیرا در بیانات ایشان آمده بود که: سال‌های گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی می‌نوشتند، اینها هم در مردم اثری نکرد.

۴. لزوم مجرب شدن دستگاه انتظامی کشور به اعمال روش‌های مسالمت‌آمیز کنترل آشوب‌های شهری

در دورانی که انفجار جمعیت بسیاری از شهرهای بزرگ جهان و از جمله برخی شهرهای ایران را فرا گرفته است، زمینه برای بسیج نیروهای سیاسی در برخی فرصت‌ها فراهم می‌شود. به هر حال از جمعیت چند میلیونی شهری که با فرهنگ و تفکرات متفاوتی زندگی می‌کنند و در فشارهای مختلف زندگی شهرنشینی به‌سر می‌برند، بسیج کردن چند هزار و حتی چند ده هزار نفر در برخی مناسبت‌ها پدیده‌ای قابل تصور و ممکن به‌نظر می‌رسد. در چنین شرایطی امروز پدیده شورش و آشوب

۱. برای بررسی بیشتر بنگرید به: حمیدرضا اسماعیلی، شورش اشرافیت بر جمهوریت، تهران، ۱۳۸۹.



شهری در تمام نقاط دنیا اتفاقی است که دور از انتظار نیست و با بهانه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی امکان وقوع دارد. از آسیای دور تا فرانسه و آمریکا کمتر هفته‌ای است که خبری درباره اعتصاب و اعتراض و آشوب و شورش نشنویم.

با وجود چنین پدیده محتمل‌الوقوعی پلیس کشورهایی که تجربه فراوان در این زمینه داشته‌اند بدون آنکه دچار دستپاچگی و چالش در تصمیم‌گیری شوند، با پشتوانه تجارب گذشته در پی خاموش ساختن این آشوب‌ها برمی‌آیند. به‌طور نمونه فرانسه نزدیک به هفت سال است که از سال ۲۰۰۵ همواره در اواخر شهریور یا اوایل پاییز با اعتراضات آشوب‌های شهری مواجه می‌شود، پلیس این کشور در این مدت به روش‌های مختلف کنترل آشوب‌های شهری مجهز شده و با وسایلی که کمترین تبعات را دارد به جمع کردن اعتراضات اقدام می‌کند.

گرچه آشوب‌های پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم را نمی‌توان تنها اعتراض تلقی و از این جهت با اعتراض طبقات متوسط و رو به پایین و مهاجران فرانسوی قیاس کرد. اما به هر حال هر دو شورش شهری بودند و می‌توانستند از روش‌های یکسانی برای کنترل اوضاع بهره ببرند. حوادث سال ۱۳۸۸ بدون شک قابل قیاس با برخی اعتراضات صنفی و یا مطالبات مقطعی و معیشتی نیست. با وجود این نحوه رفتار جمعیت شرکت‌کننده در اغتشاشات حوادث پس از انتخابات بی‌شبهت با رفتار دیگر شورش‌های شهری نیست و به همین دلیل برای کنترل آن می‌توان از روش‌ها و تجارب دیگر کشورها بهره برد. «شورش شهری» یکی از پدیده‌های رایج در شهرهای بزرگ است، به‌ویژه در جوامعی که از جمعیت جوان‌تری برخوردارند. در این شورش‌ها انگیزه‌های متفاوت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را می‌توان

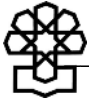


مشاهده کرد. در حوادث سال ۱۳۸۸ نیروی انتظامی کشور اگرچه برخی روش‌های کنترل شورش‌های شهری را برای کنترل این وضعیت به‌کار گفت، اما در طول این حوادث توانست با نقاط ضعف و قوت پلیس برای مهار شورش‌های شهری آشنا شود و خود را برای آموزش‌های لازم و تهیه تجهیزات مورد نیاز مهار بدون خشونت شورش‌های شهری فراهم سازد.

فرض نیروی انتظامی کشور باید این باشد که اغتشاشات سال ۱۳۸۸ آخرین اعتراضات نخواهد بود و در جوامعی مانند ایران که از پویایی و جوانی و اپوزیسیون فعال و مخالفت بیگانگان برخوردار است وقوع چنین حوادثی در آینده محتمل است. اما حوادث ۱۳۸۸ فرصت تجربه‌اندوزی خوبی را برای نیروی انتظامی فراهم کرد، به‌طوری که فرمانده نیروی انتظامی نیز به این مسئله اشاره کرد و گفت: «فتنه‌های اخیر باعث شد تا خلأهای امنیتی برطرف شود و همکاری‌ها بین سازمان‌های امنیتی و انتظامی به اوج برسد (در سال‌های گذشته جریان فتنه) با به راه انداختن قتل‌های زنجیره‌ای به وزارت اطلاعات ضربه زدند و قصد داشتند در ۱۸ تیر نیز نیروی انتظامی را زمین‌گیر کنند. اما وزارت اطلاعات توانست مشکلات و خلأها را جبران کند و نیروی انتظامی نیز خود را پس از این حوادث بازسازی کرد.^۱

احمدی‌مقدم همچنین از فعال‌تر شدن معاونت عملیات و سیستم مانیتورینگ و سایبری نیروی انتظامی خبر داد. فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه با نشریه سروش بیان کرد: «گرچه آنها پیش از روز انتخابات این حوادث را پیش‌بینی و برخی

۱. رفتار عوامل بیگانه و جریان‌های منحرف تحت کنترل پلیس است، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱، کد مطلب



جلسات هماهنگی را برای مهار آن برگزار کرده بودند، اما اگر واحدهای ما حرفه‌ای‌تر بودند، ما می‌توانستیم عمق مسئله را دقیق‌تر تشخیص داده و خسارات را کاهش دهیم در براندازی‌های نرم اصل پایداری پلیس است. اگر پلیس به هم بریزد آنها به هدف خود می‌رسند (از این لحاظ پلیس نمره مثبتی گرفت) اما از حیث مدیریت میدانی یا رفتارهای غیرمیدانی یا ضعف تجهیزات و ساختارها ما نمره کافی نگرفتیم چیزهایی بود که شاید کم‌هزینه‌تر هم می‌توانستیم انجام دهیم، مثل بازداشتگاه‌ها. ما فکر نمی‌کردیم بازداشت‌های انبوه داشته باشیم، بازداشتگاه‌ها و مکان‌های موقت ظرفیت محدودی دارد و باید امکاناتی داشته باشد، اما اینها دچار خلأ بود (همچنین داشتن آپاش‌های کارآمد و یا وسایل ضداغتشاش که رودرروی نیرو با مردم به حداقل برساند. این می‌توانست فرد را خیس کند و به‌جای باتوم زدن با خیس کردن از میدان به در کند. ما در این زمینه مجهز نبودیم یا مسئله دیگر آستانه تحمل بود، خستگی مفرط و فرسایش ممتد بچه‌ها در فصل گرما... ما این را آسیب‌شناسی کردیم ... ما در ۲۲ بهمن همه چیزمان آماده بود، یعنی ساختارها و مراکز فرماندهی و کنترل دوربین‌ها و سازماندهی اطلاعاتی و هماهنگی اطلاعات و عملیاتی و تبلیغی و رسانه‌ای ایجاد شده بود ... به‌نظر من اولین مسئله ما دکتترین مقابله با تهدید نرم است و از بین بردن خلأهای قانون ... در ژاپن پلیس قانونی دارد که اگر پلیس کسی را تعقیب کند باید آن خیابان را همه خلوت کنند ... یکی از مشکلات ما در این اغتشاشات این بود که از دو طرف جمع می‌کردیم. می‌دیدیم نصف آنها عابردند ... این قانون می‌خواهد ... در همه کشورها هست مثلاً در فرانسه هم این حالت پیش می‌آید ... مقام معظم رهبری در



جلسه‌ای با نظامیان می‌فرمودند برای نظامی حمله دشمن فرض است از نظر ما به‌عنوان سیستم امنیتی وقوع چنین مسائلی و حتی بدترین وضعیت فرض است»^۱.

۵. اثبات ثبات سیاسی در ایران برای اپوزیسیون و بیگانگان

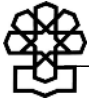
بیگانگان و اپوزیسیون برحسب روش عقلایی تلاش دارند گام‌های خود را متناسب با شرایط و وضعیت و امکانات بردارند. چنانچه حکومتی ضعیف باشد و سستی از خود نشان دهد، انگیزه‌های براندازی را در مخالفان تقویت می‌کند. همچنین اگر حکومتی مستحکم باشد و خود را استوار نشان دهد مخالفان تلاش خواهند کرد تا با درس‌آموزی از گذشته روش‌های دیگر و احياناً مذاکره را برگزینند.

در میان اپوزیسیون، حتی سازمان‌های تروریستی نیز وقتی از خشونت ناامید می‌شوند به مذاکره درمی‌آورند و حتی برخی معتقدند چنین سازمان‌هایی ترور را روشی برای مذاکره می‌دانند.^۲

حوادث سال ۱۳۸۸ که با برنامه‌ریزی چندین‌ساله و هماهنگی سه جریان دولت‌های بیگانه، تجدیدنظرطلبان و تمام اپوزیسیون جمهوری اسلامی ساماندهی شد به شکل گسترده‌ای طراحی و عملیاتی شد. با وجود این تلاش‌ها و به‌رغم وقوع برخی چالش‌ها اما پس از مدتی نظام سیاسی کشور توانست آن را کنترل کند.

1. www.irdc.ir/fa/content/9967/default.aspx

۲. والتر رایش، ریشه‌های تروریسم، ترجمه حسین محمدی‌نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی ستاد، ۱۳۸۱، ص ۳۴.



کنترل فتنه سال ۱۳۸۸ ضمن آنکه ریشه در ساختار دموکراتیک جمهوری اسلامی داشت و به دلیل ابعاد مردم‌سالارانه می‌توانست با جلب حمایت مردمی و دعوت آنها برای حمایت از حکومت از موفقیت فتنه‌سازان جلوگیری کند همچنین نشان داد که جمهوری اسلامی با «بحران اقتدار» که مخالفان در پی آن بودند مواجه نخواهد شد، لذا با پشت سر گذاشتن حوادث سال ۱۳۸۸ و بروز ثبات نظام سیاسی حاکم بر ایران زمینه برای مذاکره فراهم‌تر شده است.

گرچه آمریکا و برخی دولت‌های غربی تلاش دارند از روش تحریم اقتصادی علیه ایران به‌عنوان روش دیگری برای جایگزینی فتنه ۱۳۸۸ بهره ببرند، اما زمزمه‌های مذاکره و راه‌حل دیپلماتیک بیش از گذشته از زبان آنها به گوش می‌رسد. در آخرین این اظهارات رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد: «کشور او قصد دارد در مناسبات خود با ایران از خط‌مشی دیپلماتیک پیروی کرده و به سیاست برقراری تحریم‌های اقتصادی که به‌نظر او بسیار ثمربخش است، ادامه دهد»^۱.

۶. شکست بسیاری از نظریه‌های غربی که درباره حکومت دینی مطرح می‌شد

مراکز دانشگاهی و همچنین بسیاری از رسانه‌های فعال به‌ویژه در فضای مجازی متأثر از ریشه‌های غربی و سکولاریستی هستند. مدت مدیدی است که دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی دانشگاهی که در غرب تحصیل کرده‌اند به تأثیرپذیری از فرهنگ و اندیشه‌های غربی به ایراد نظریه‌های غربی در ایران می‌پردازند. در طول دهه‌های گذشته و به‌ویژه در دوران حاکمیت جبهه دوم خرداد

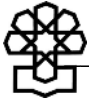
۱. گیتس، مسئله هسته‌ای ایران را از راه دیپلماتیک می‌شود حل کرد، خبرگزاری روسیه، ۱۳۸۹/۸/۱۷.



رشد این نظریه‌ها با ترجمه آثار مختلف غربی افزایش یافت. سرآمد این افراد حسین بشیریه بود که با بهره‌گیری از آثار افرادی نظیر هابز، مارکس و ماکس وبر تلاش داشت حکومت جمهوری اسلامی را دولتی مطلقه معرفی کند که به‌زودی جای خود را به حکومتی سکولاریستی و دمکراتیک خواهد داد. وی و شاگردانش که در مراکز دولتی و رسانه‌ای جبهه دوم خرداد حضور داشتند ولایت فقیه را گونه‌ای از حکومت‌های پاتریمونیالیستی و همتران با پادشاهی و سلطنت قلمداد می‌کردند. او همچنین در آغاز دهه ۱۳۸۰ به پیروان فکری خود وعده فروپاشی جمهوری اسلامی را می‌دهد و می‌نویسد: «به‌طور کلی ساخت قدرت مطلقه در درون نظام» اجتماعی و اقتصادی درحال دگرگونی و نوسازی هرچه بیشتر گسترش یابد زمینه‌های ضعف و زوال خود را بیشتر فراهم می‌کند»^۱.

در دوران گذشته ما شاهد ظهور و افول نظریه‌های فراوان بودیم که تولید شدند، اما به سرانجام نرسیدند. نکته اینجاست که برخی از این نظریه‌ها از همان سوم تیر ۱۳۸۴ با شکست مواجه شد و بشیریه ترجیح داد تا ایران را ترک کند و در خارج از کشور بتواند با نظریه‌های جدیدتری به رشد این جریان یاری رساند. درواقع افول نظریه‌های غرب‌مدار و سکولاریستی که از تیر ۱۳۸۴ آغاز شد پس از پایان فتنه ۱۳۸۸ با یک بحران جدی مواجه شد، به‌طوری که حتی جاریان و تاجیک دو نظریه‌پرداز مهم این جبهه سخن از پایان نظریه‌های پیشین خود به میان آوردند. گذشته از آنکه این افراد در نظریات جدید خود به چه یافته‌هایی دست یافتند، اما نکته اینجاست که با پایان حوادث سال ۱۳۸۸ عمر بسیاری از نظریه‌های مطرح شده در دو دهه گذشته به

۱. حسین بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو، ۱۳۸۱، صص ۲۳ و ۳۰.



پایان رسید و فصل جدیدی در نظریه‌پردازی آغاز شد. دیگر نظریه‌های گذشته نمی‌تواند شناخت پدیده‌های امروز را تسهیل کند و با پایان حوادث سال ۱۳۸۸ فصل و دوره تاریخی جدیدی آغاز شده است که به نظریه‌های نوینی نیاز دارد.

درواقع حتی اگر از منظر جریان رادیکالیسم سبز نیز بنگریم در پی حوادث سال ۱۳۸۸ بسیاری از مبانی معرفت‌شناسی و باورهای دیرینه تاریخی و فرهنگ عمومی جامعه ایران دستخوش تغییراتی شد و با پرسش‌های جدی مواجه شد. آن حوادث دستکم این خاصیت را داشت که برای ایرانیان مسئله ایجاد کرد و بسیاری از موضوعاتی که تا آن روز کمتر مورد پرسش قرار می‌گرفت اکنون دیگر مورد سؤال واقع می‌شد.

براساس این حتی می‌توان دلیل سکوت بسیاری از نویسندگانی که در دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد فعال بودند را در همین دگرگونی معرفتی جستجو کرد. وقتی جامعه ایران درحال گذار است و نظام ارزشی و معرفتی با تحولاتی مواجه شده است، بسیاری از نویسندگان در نگارش باورهای خود ناتوان خواهند بود.

حوادث سال ۱۳۸۸ نه تنها در حوزه سیاست یک فصل جدیدی را آغاز کرد، بلکه در حوزه علوم انسانی و مباحث روش‌شناسی و فلسفه علم نیز تأثیرگذار خواهد بود. اکنون برای نویسندگان وابسته به رادیکالیسم سبز دوران آشفتگی و تردید آغاز شده است و برای جبهه اصول‌گرا انگیزه‌ها برای ارائه نظریاتی که خلأ نظریه‌های پیشین را پر کند افزایش یافته است.

حوادث پس از انتخابات نشان داد علوم انسانی تدریس شده در دانشگاه‌ها که تمایلی ندارد به نقش نفوذ بیگانگان و دولت‌های استعماری در جلوگیری از گسترش



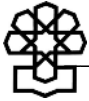
دمکراسی بپردازد و از نقش آن به عنوان یکی از موانع توسعه یافتگی کشور سخن بگوید به بیراهه می‌رفته است. اگر بسیاری از نویسندگان و گویندگان «توطئه دولت‌های غربی را توهم خواندند و تلاش کردند همه امور را در مسائل جامعه‌شناختی و سیاه‌نمایی از ایران و ایران خلاصه‌کننده اکنون فرصتی برای ابراز آن اندیشه‌ها و تمسخر آرای دیگران نخواهند داشت.

آن حوادث شکست بسیاری از نظریه‌ها و از جمله نظریه «توهم توطئه» را در پی داشت و نشان داد که توطئه امری طبیعی است که از سوی دولت‌های وابسته به نظام سلطه پیگیری می‌شود.

۷. توجه به علوم انسانی

پس از فتنه ۱۳۸۸ یکی از مهمترین موضوعاتی که در فضای دانشگاهی و رسانه‌ای کشور مطرح شد، بحث بومی‌سازی علوم انسانی بود. در واقع یک برداشت کلان از حوادث سال ۱۳۸۸ نشان می‌داد که ریشه بسیاری از این رفتارها در علوم انسانی غربی قرار دارد، زیرا این علوم غربی خاستگاه رشد انواع ایدئولوژی سیاسی سکولاریستی و مخالف با نظام اسلامی است.

پس از فتنه سال ۱۳۸۸، تأکید بر بومی‌سازی علوم انسانی که همواره از دغدغه‌های مقام معظم رهبری بوده در کلام ایشان برجستگی بیشتری می‌یابد. تأکید رهبر انقلاب بر اصلاح این روند که از گذشته نیز وجود داشت و پس از مسائل فتنه نیز پررنگ شد در ۱۳۸۸/۶/۸ به اوج خود رسید و ایشان در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها در این باره گفتند: «طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه عظیم



دانشجوی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام‌نور و بقیه دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی هستند. این به یک صورت انسان را نگران می‌کند ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواد جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا... درس بدهد، مگر چقدر داریم که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است»^۱.

درواقع پس از این سخنرانی بود که رسانه‌های تبلیغی بیگانه فضای جدیدی را علیه جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب آغاز کردند و القا نمودند که حکومت در پی حذف علوم انسانی است. به عبارت دیگر این بخش مطالب رهبری به مذاق سکولارها، اعم از داخلی و خارجی، خوش نیامد و چون بازنگری در رشته‌های علوم انسانی را با چالش سکولاریسم همسو می‌دیدند به جوسازی علیه آن پرداختند.

اما از سوی دیگر، انگیزه و فضا برای انجام اقدام‌های عملی در راستای بومی‌سازی علوم انسانی آغاز شد. گذشته از صدها یادداشتی که در رسانه‌ها به انتشار رسید، ده‌ها مقاله و کتاب نیز توسط نیروهای مذهبی درباره ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی و روش‌ها و چگونگی انجام آن به نگارش درآمد.^۲

واقعیت آن بود که پس از انقلاب فرهنگی و تا فتنه ۱۳۸۸ هیچ‌گاه مسئله بومی‌سازی دانشگاه‌ها به‌ویژه در حوزه علوم انسانی تا این اندازه مورد توجه واقع

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌های کشور، ۱۳۸۸/۶/۸.

۲. به‌طور نمونه بنگرید به: ابوزر رجبی، چیستی علوم انسانی و چرایی بازنگری در آن، نشریه معارف، ش ۷۴.



نشده بود. او پس از این حوادث افزون‌بر سمینارهای متعددی که برگزار شد، در عرصه سیاستگذاری نیز ازسوی مراکز تصمیم‌گیرنده تصمیماتی اتخاذ شد که به‌طور نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مدیر کل دفتر گسترش آموزش عالی اسامی ۱۲ رشته علوم انسانی را اعلام کرد که توسعه و پذیرش دانشجوی در آنها منوط به بازنگری شده است. وی همچنین گفت: ۷۰ درصد محتوای این رشته‌ها با محوریت بومی و دینی بازنگری می‌شود که بازنگری تا تابستان سال آینده نهایی می‌شود. رشته‌های مذکور عبارتند از: حقوق، مطالعات زنان، حقوق بشر، مدیریت، مدیریت فرهنگی و هنری، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، فلسفه، روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم سیاسی.^۱

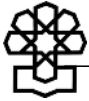
۲. در شهریور ۱۳۸۹ معاون آموزشی دانشگاه آزاد نیز از کلید خوردن تدوین کتاب‌های جدید رشته‌های علوم انسانی منطبق بر مبانی اسلامی خبر داد و با بیان اینکه این امر از رشته روان‌شناسی آغاز شد گفت: امیدواریم تا دو سال دیگر منابع بومی‌سازی در زمینه روان‌شناسی عرضه شود.^۲

۳. در همین راستا دانشگاه علامه طباطبایی، نیز از تشکیل کمیته بومی‌سازی علوم انسانی در این دانشگاه خبر داد.^۳

۱. خیرگزاری مهر، اسامی ۱۲ رشته علوم انسانی که توسعه آنها منوط به بازنگری شد، ۱۳۸۹/۸/۲.

۲. تدوین کتب علوم انسانی براساس مبانی اسلامی آغاز شد، ۱۳۸۹/۶/۲۹.

3. <http://atu.ac.ir/research/research-kbsue.htm>



۸. ایجاد حساسیت و احساس تعلق بیشتر به نظام جمهوری اسلامی

در میان سال‌های پس از تثبیت انقلاب اسلامی شاید کمتر روزی را بتوان پیدا کرد که جوش و خروش مردمی به اندازه ۱۳۸۹/۱۰/۹ به این حد بالا رسیده باشد. در این روز نه تنها تهران که مرکز فتنه بود، بلکه در تمام شهرهای کوچک و بزرگ و حتی در روستاهای کشور نیز موج عظیمی به حمایت از انقلاب و اسلام که در روز عاشورا عواطف عمومی تحریک شده بود به پا خواست.

شور مردمی در قیام ۹ دی حتی از روزهای نظیر ۲۲ بهمن هم بیشتر بود و احساس زایدالوصف در حمایت از رهبر انقلاب و شعار علیه فتنه‌گران را به نمایش گذاشت. در واقع نکته‌ای که درباره انقلاب‌ها وجود دارد این است که احساسات انقلابی پس از مدتی و در میان سال‌ها فروکش می‌کند و شور انقلابی جای خود را به بی‌تفاوتی می‌دهد، اما وقوع حوادثی نظیر آشوب‌های پس از انتخابات مانع از آن می‌شود که احساس تعلق مردمی نسبت به نظام دینی خود کاهش یابد و شوک‌هایی نظیر آنچه که در سال ۱۳۸۸ رخ داد احساسات شدیدتری را در حمایت از نظام سیاسی ایجاد کرد این موضوع همچنین آمادگی وفاداران به انقلاب را بیشتر می‌سازد. علامه محمدتقی جعفری در شرح خطبه پنجم نهج‌البلاغه چهار مورد از آثار مثبت فتنه را چنین برمی‌شمرد:

(الف) روشن شدن محتویات درونی انسان‌ها،

(ب) به فعلیت رساندن قدرت تمیز حق و باطل،

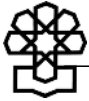
(ج) شناساندن ماهیت جامعه آشوب‌زده و دادن قدرت آسیب‌شناسی به مسئولان جامعه،

**۹. افشای ماهیت جریان‌ی که پشت شعار «اصلاحات» در پی قدرت‌افزایی بود**

حوادث سال ۱۳۸۸ پرده از ماهیت جریان‌ی کنار زد که از سال ۱۳۷۶ به بعد با مطرح ساختن شعارهایی نظیر توسعه سیاسی، آزادی بیان، دموکراسی و... در پی ارائه تصویری روشنفکر از خود بود. فتنه سال ۱۳۸۸ نه تنها نشان داد که فعالان این جبهه اعتقادی به اسلامیت نظام ندارند، بلکه آنها جمهوریت نظام را هم نمی‌توانند تحمل کنند.

در فتنه حوادث پس از انتخابات که از آن با عنوان شورش «اشرافیت بر جمهوریت» یاد شد، معلوم شد که اصحاب فتنه با رأی توده‌های مردمی مخالف هستند و تنها نظامی را که موجب شود قدرت میان برخی نخبگان دست به دست شود می‌پذیرند. به عبارت دیگر حوادث سال ۱۳۸۸ تمام شعارهایی که آنان داده بودند نظیر دموکراسی و توسعه سیاسی را به باد داد و معلوم شد که مطرح ساختن چنین شعارهایی تنها برای ارائه ظاهری زیبا از این جبهه بوده است و آنان نسبت به آنچه که مطرح می‌شد اعتقاد قلبی و عمیق نداشته‌اند.

از سوی دیگر می‌توان چنین گفت که فتنه ۱۳۸۸ بصیرت مردمی را افزایش داد و موجب شد که نیت درونی این افراد آشکار شود.

**۱۰. درسی برای نخبگان سیاسی و نامزدهای انتخاباتی**

در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری و فتنه پس از آن جبهه دوم خرداد و تجدیدنظرطلبان به حمایت اپوزیسیون و دولت‌های بیگانه دلگرم بودند. آنها ترجیح دادند برای جلب توجه آنها گفتمان خود را متناسب با «مطالبات» این جریان‌ها تغییر دهند. در زمان فتنه نیز باز به حمایت‌های گوناگون آنان چشم داشتند.

اما شکست این جریان چه در زمان انتخابات و چه در زمان فتنه نشان داد که استظهار به پشتیبانی دولت‌های بیگانه لزوماً موجب موفقیت نخواهد شد، لذا در انتخابات‌های بعدی نامزدهای انتخاباتی و فعالان سیاسی می‌آموزند که مطالبات خود را در خارج از نظام سیاسی موجود مطرح نکنند و با رعایت خطوط قرمز نظام تنها به داخل مرزهای کشور بیاندیشند نه فراتر از آن.

از سوی دیگر یکی از برکات فتنه سال گذشته، مشخص شدن عیار برخی مسئولان و افرادی بود که سابقاً دارای مناصبی هرچند مهم در کشور بودند. هرچند برخی از آنها در آزمون فتنه ناموفق بیرون آمدند، ولی تجربه این مسئله سبب شد بیش از پیش جمله معروف که میزان حال فعلی اشخاص است برای مردم معنا پیدا کند.



۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، پایگاه اینترنتی khamenei.ir ۱۳۸۹/۷/۲۷.
 ۲. آیت‌الله خامنه‌ای مخالفان را «میکروب‌های سیاسی و اجتماعی» خواند، سایت العربیه، ۱۱ ذوالقعدة ۱۴۳۱ هـ. ق، ایران.
 ۳. خیال لغو، سناریوی سقر قم، پایگاه خبری، khamenei.ir ۱۳۸۹/۸/۲.
 ۴. وبسایت آیت‌الله خامنه‌ای، همه معترضان میکروب سیاسی نیستند، پایگاه خبری بی.بی.سی فارسی، ۱۳۸۹/۸/۳.
 ۵. بی.بی.سی فارسی، ۱۳۸۰/۸/۱۰.
 ۶. اسماعیلی، حمیدرضا. شورش اشرافیت بر جمهوریت، تهران، ۱۳۸۹.
 ۷. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱، کد مطلب ۸۸۱۲۰۱۰۵۲۲.
 ۸. رایش، والتر. ریشه‌های تروریسم، ترجمه حسین محمدی‌نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی ستاد، ۱۳۸۱.
 ۹. گیتس. مسئله هسته‌ای ایران را از راه دیپلماتیک می‌شود حل کرد، خبرگزاری روسیه، ۱۳۸۹/۸/۱۷.
 ۱۰. بشیریه، حسین. موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو، ۱۳۸۱.
 ۱۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌های کشور، ۱۳۸۸/۶/۸.
 ۱۲. رجبی، ابوزر. چیستی علوم انسانی و چرایی بازنگری در آن، نشریه معارف، ش ۷۴.
 ۱۳. خبرگزاری مهر، اسامی ۱۲ رشته علوم انسانی که توسعه آنها منوط به بازنگری شد، ۱۳۸۹/۸/۲.
 ۱۴. ماهنامه فرهنگی تبلیغی نور، ش ۱، ص ۱۵.
15. www.irdc.ir/fa/content/9967/default.aspx
16. <http://atu.ac.ir/research/research-kbsue.htm>



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۵۴۳

عنوان گزارش: تأملی بر بیانات مقام معظم رهبری در مورد فتنه سال ۱۳۸۸

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: حمیدرضا اسماعیلی

ناظر علمی: ابوذر گوهری مقدم

متقاضی: حسین فدایی (نماینده تهران، ری و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی)

سرویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۹/۱۶